

## شفافیت مسائل اقتصادی در

### میهن

هفته نامه اقتصادی میهن همزمان با جشنواره مطبوعات و از تاریخ ۷ اردیبهشت به مطبوعات کشور پیوست. اولین نکته ای که در ارتباط با این نشریه و در مقایسه با سایر نشریات اقتصادی کشور شایان ذکر است، تلاش این هفته نامه است در طرح صریح و شفاف مسائل

فعالان اقتصادی به چه کار می آمد؟

کارنامه ۷ شماره اول میهن حاکی از آن است که این نشریه با شناسایی مسائل مهم و اتخاذ صراحت کلام در بازگو کردن آنها مقدمات کار را برای رسیدن به اهدافی که برای خود تعیین کرده به خوبی فراهم آورده است.

کفنگو ۸۷

ب.خ.خ.

## استقلال مان را باور کنیم

### یا نه؟

### هفته نامه

### اقتصادی

### ایران



موفقیت آقای خاتمی در کسب میزان بالایی از آرا رأی دهندگان و همچنین شرکت بسیار گسترده مردم در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری باعث پدید آمدن جو آرامشی است که ایران به ویژه پس از گذراندن دوران مبارزات انتخاباتی، سخت به آن نیازمند بود. اکنون به پشتوانه این آرامش می توان به برخی از جوانب کار که حاکی از سطح نازل فرهنگ سیاسی است، اشاره کرد و با دامن زدن به بحث در این زمینه ها، در جهت اعتلای این فرهنگ کوشید. دو نمونه که به نظر می رسد محرك مشترکی باعث طرحشان شد عبارت بودند از برخورد انتقادی شدیدی که با مصاحبه آقای ناطق نوری با بخش فارسی رادیو بی بی سی صورت گرفت و دیگری برخوردی به همان اندازه تند و شدید نسبت به مذاکره محمد جواد لاریجانی با نیک براون، معاون وزارت امور خارجه انگلیس. این هر دو واقعه به صورت افشاگرانه بسیار نامطلوبی در نشریاتی که به طرفداری از آقای خاتمی وارد کارزار انتخاباتی شده بودند و

اقتصادی کشور تا از طریق رفع ابهامات، دستیابی راه حل ها نیز تسریع گردند. در لزوم اتخاذ چنین رویکردی به مسائل در شماره ۲ میهن می خوانیم که «در اینکه اکثریت ما وطن، فرهنگ و دین خود را دوست داریم شکی وجود ندارد. در اینکه راه مشترکی برای نیل به این هدف یافته باشیم سخن بسیار است. سوء تفاهم های زیاد وجود دارد و آنها نه فقط در زمینه سیاسی؛ اقتصادگردانان نسبت به سیاست های دولت، دولت نسبت به نیت فعالان اقتصادی. اگر چنین نبود، این همه سازمان عریض و طویل برای کنترل تحرك

تقریباً به صورت پاورقی دائماً تکرار و تکرار شد. البته در این انتخابات کم نبودند برخوردارهای نامطلوب و بعضاً بسیار زنده، اما هیچکدام حداقل به صورت مستقیم توسط نشریات شناخته شده کشور پشتیبانی نشدند. قصد ما در این نوشته کوتاه ابدآ ارزیابی محتوایی مصاحبه آقای ناطق نوری یا مذاکرات محمد جواد لاریجانی نیست بلکه بحث درباره میزان قُبُح یا در مقابل، حدود مقبولیت یک چنین گفت و گوهایی است.

آنجا که بحث بر سر مصاحبه رادیویی است، جای آن دارد که از کسانی که انجام این مصاحبه را تقبیح می کنند، بپرسیم که آیا قانون اساسی شهروندان ایرانی را از صحبت، مصاحبه یا گفت و گو با خبرنگاران، رسانه ها و اعضای وزارتخانه های خارجی منع کرده است؟ مسلماً چنین نیست. آیا برخی از رسانه های خارجی در لیست سیاه قرار دارند و نباید به هیچ عنوان با آنها طرف شد؟ تا آنجا که راقم اطلاع دارد، چنین نیست. اصولاً آیا حد و حدودی جز آنچه در قانون مطبوعات آمده است برای استفاده از رسانه ها و مطبوعات خارجی وجود دارد؟ بسیاری از نشریات کشور در هر شماره خود مقاله ای را از نشریاتی همچون فارین آفرز، اکونومیست، میدل ایست ریویو و... منتشر می کنند و تجزیه و تحلیل های بعضاً نادرست آنها را با زحمت بسیار به خوانندگان عرضه می کنند. علاوه بر این از چند سال پیش به این طرف مصاحبه های مطبوعاتی مسئولان کشور بسیار فراگیر شده است و هفته ای نیست - و در دوران انتخابات روزی نبود- که مسئولی با یک

یا چند خبرنگار رسانه های خارجی مصاحبه نکند. حال چطور است که ناگهان صحبت کاندیدای رقیب با رادیویی بی سی این همه باعث سر و صدا می شود؟ آیا اگر ایشان با رادیوی کشوری غیر از انگلستان مصاحبه کرده بود و همین حرف ها را زده بود، بازهم این همه جنجال می کردیم؟ مسلماً نه.

مشابه همین بحث را می توان در مورد مذاکرات نمایندگان دولت ایران با مسئولان دولتی سایر کشورها، یعنی از آن جمله مذاکرات جنجال برانگیز محمد جواد لاریجانی با نماینده دولت انگلیس، پی گرفت. از چه زمانی مرسوم شده است که رونوشت این مذاکرات در اختیار برخی از مطبوعات قرار گیرد و موضوع افشاگری. آیا اگر همین صحبت ها به عنوان مثال با وزیر امور خارجه یک کشور آفریقایی انجام می شد، تا به این حد مسئله زا بود؟ بدون شک چنین نیست.

واقعیت آن است که در این هر دو مورد، «افشاگران» خواسته یا ناخواسته بر حساسیتی انگشت گذاشته اند که دیری است در ذهنیت سیاسی ما جای دارد و یکی از موانع اصلی رشد فرهنگ سیاسی ما می باشد و آن قایل بودن غرب و به ویژه انگلیس از قدرتی خارق العاده در دخالت در امور داخلی کشور ما. مطمئناً عملکرد استعماری برخی کشورها و از آن جمله انگلستان در اواخر دوران قاجار زمینه ساز این یک چنین تفکری بوده است و نیز برداشت بعضاً اشتباه از مذاکرات رجال ایران با نمایندگان کشوری که بر جان و مال ما حاکم بود، تأکیدی بر این تصور. اما چه شباهتی است میان وضعیت جامعه،

دولت و اقتدار ما در امروز و همین عناصر در صد سال پیش؟ مگر نه اینکه ما کشور مستقلی هستیم و شهروندانمان شهروندانی آزاد برای ابراز عقیده و نظر؟ همچنین کدام عامل مشابه را میان عملکرد و حضور دولت انگلستان در ایران، خاورمیانه و حتی جهان می‌توان با نقش وی در صد سال پیش مقایسه کرد؟

پاسخ به این پرسش‌ها روشن‌تر از آن است که از چشم ساده اندیش‌ترین تحلیل‌گران سیاسی کشور پوشیده بماند. پس چرا فقط به صرف یک رقابت انتخاباتی، حتی به فرض که رقیب همهٔ جوانب را رعایت نکرده باشد بر باورهایی تأکید می‌کنیم و باعث استمرار حیاتشان می‌شویم که نیک می‌دانیم مانع از رشد فرهنگ سیاسی در کشور است. مگر نه اینکه باورهایی نظیر این تصور «همه چیز زیر سر انگلیسی‌هاست» یکی از موانع جدی در مقابل رشد فرهنگ سیاسی در کشور ما بوده و هست. پس چرا به عوض تلاش در زدودن این گونه تخیلات، خود در دام عوام‌گرایی می‌افتیم؟ تلاش برای توسعهٔ فرهنگ سیاسی و وظیفهٔ همهٔ تفکرات و دیدگاه‌هاست، زیرا عدم توسعهٔ آن دامان همه را خواهد گرفت.

گفتگو ۸

م.ت.

## جهانی شدن

سال‌ها، بل دهه‌هایی است که جهانی شدن اذهان بسیاری از ما ایرانیان را به خود مشغول کرده است. برای رسیدن به این هدف چه

زحماتی که نکشیدیم و گاه نیز به چه ناروایی‌هایی که تن ندادیم. و... باز به محض آنکه جنگ خاتمه یافت همین رؤیا زنده شد و تلاش‌های جدی برای رسیدن به استانداردهای بین‌المللی معطوف گشت.

ما با شور و شَعَف قابل درک از موفقیت‌های جوانان کشورمان در اَلَمپيادهاي بين المللی صحبت می‌کنیم و انتظارمان از صنایع فولاد کشور آن است که بتواند با دسترسی به استانداردهای تولید جهانی، به تسخیر بازارهای جهانی نایل شود. به حق افتخار می‌کنیم که در بسیاری از حوزه‌های صنایع جانی نفت، مهندسانمان می‌توانند تقریباً همان نتایجی را به دست آورند که کارشناسان خارجی.

اما حقیقت آن است که ما هنوز در هیچ کدام از تلاش‌هایمان برای جهانی شدن به نتیجهٔ کاملاً مطلوب نرسیده‌ایم. هنوز ما فقط با فرش، پسته، خاویار، میوه و خشکبار خود در جهان حرف می‌زنیم و بس. یعنی در آن حوزه‌های که از دیرباز اگر نه ملک طلق ایران،

